

درباره واژه‌کاریکاتور

محمد عبدعلی



واژه‌هایی که همراه با پدیده‌های تازه فرهنگی از زبان‌های اروپایی به فارسی راه یافته‌اند بسیارند، آن چنانکه اکنون کسانی آنها را در کتابهایی فهرست کرده‌اند (از جمله نگاه کنید به: مهشید مشیری، فرهنگ واژه‌های اروپایی بر فارسی، البرز، ۱۳۷۱) واژه‌هایی مانند تلفن، فیلم، رستوران، کافه، بوفه، کلاس، اتوبوس، اتوبان، موتور، ماشین، فیزیک، پروژه، پروتئین و دهها واژه دیگر روزانه از سوی اهل زبان به کار می‌رود، بدون اینکه معمولاً از اصل آنها آگاه باشند یا احساس کنند که آنها خارجی‌اند. این واژه‌ها اکنون تقریباً جزء واژگان زبان فارسی شده‌اند و در شمار مداخل فرهنگ‌های فارسی درآمده‌اند، زیرا خلأیی را در زبان پر می‌کنند. البته دسته دیگری از واژه‌ها و عبارات قرضی هستند که غیر ضروری‌اند و بیشتر جنبه فردی دارند و انتقال آنها بوسیله اشخاص دو زبانه عمداً و آگاهانه صورت گرفته است. این امر به ویژه در نزد تحصیل‌کردگان علوم جدید مانند کامپیوتر، پتروشیمی و زمینه‌های دیگر به خوبی مشهود است. می‌توان از کاربرد این دسته دوم از واژه‌ها یا عبارات زبان‌های بیگانه حتی الامکان پرهیز کرد (البته کم‌سوادی‌های مترجمان زبان‌ندان را نباید در شمار این مقوله به شمار آورد).

پدیده واژه‌های قرضی تنها خاص زبان فارسی نیست، بلکه تقریباً همه زبان‌های جهان کم یا بیش از این پدیده متاثرند و نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهند. ولی علی‌رغم هر نوع مقاومت و ناخرسندی، تقریباً همه زبان‌ها واژه‌هایی را قرض می‌گیرند و قرض می‌دهند. چنانکه گفته‌اند، این امر را نباید صرفاً یک مسئله زبانی تلقی کرد، بلکه باید آن را در چهارچوب نفوذ فرهنگ‌های مسلط جهان مورد دقت قرار داد (درباره انواع واژه‌ها و عبارات قرضی و جنبه‌های گوناگون آن دست‌کم نگاه کنید به: محمدرضا باطنی، زبان و تفکر، مقاله «پدیده‌های قرضی در زبان فارسی»، زمان، چ، ۱۳۶۳).

درباره ریشه واژه‌کاریکاتور، می‌توانیم به نوشته منبع معتبر کتاب «تاریخ کاریکاتور» (L.A. CARICATURE ART ET MANIFEST)

اشاره کنیم:

«در سال ۱۷۴۶، مجموعه‌ای گسراور که از نقاشی‌های پرتره‌های آنیبال کازا که اقتباس شده بود در بولونیا انتشار یافت. در مقدمه این مجموعه موسیقی ناشر این آثار خاطر نشان می‌سازد که آنیبال در نقاشی‌های (کاریکاتور) خود وسیله‌ای برای رفع و دفع اثرات فعالیت بسیار خسته‌کننده نقاشی یافته است. و در اینجا است که برای نخستین بار مفهوم «کاریکاتور» پدید می‌آید. «کاریکاره» به ایتالیایی به معنای اغراق گفتن و مبالغه کردن است. در این مجموعه همچنین آمده است که نقاش شخصاً این واژه را در رابطه با نقاشی‌های خود به کار

واژه‌هایی که همراه با پدیده‌های تازه فرهنگی از زبان‌های اروپایی به فارسی راه یافته‌اند بسیارند، آن چنانکه اکنون کسانی آنها را در کتابهایی فهرست کرده‌اند (از جمله نگاه کنید به: مهشید مشیری، فرهنگ واژه‌های اروپایی بر فارسی، البرز، ۱۳۷۱) واژه‌هایی مانند تلفن، فیلم، رستوران، کافه، بوفه، کلاس، اتوبوس، اتوبان، موتور، ماشین، فیزیک، پروژه، پروتئین و دهها واژه دیگر روزانه از سوی اهل زبان به کار می‌رود، بدون اینکه معمولاً از اصل آنها آگاه باشند یا احساس کنند که آنها خارجی‌اند. این واژه‌ها اکنون تقریباً جزء واژگان زبان فارسی شده‌اند و در شمار مداخل فرهنگ‌های فارسی درآمده‌اند، زیرا خلأیی را در زبان پر می‌کنند. البته دسته دیگری از واژه‌ها و عبارات قرضی هستند که غیر ضروری‌اند و بیشتر جنبه فردی دارند و انتقال آنها بوسیله اشخاص دو زبانه عمداً و آگاهانه صورت گرفته است. این امر به ویژه در نزد تحصیل‌کردگان علوم جدید مانند کامپیوتر، پتروشیمی و زمینه‌های دیگر به خوبی مشهود است. می‌توان از کاربرد این دسته دوم از واژه‌ها یا عبارات زبان‌های بیگانه حتی الامکان پرهیز کرد (البته کم‌سوادی‌های مترجمان زبان‌ندان را نباید در شمار این مقوله به شمار آورد).

پدیده واژه‌های قرضی تنها خاص زبان فارسی نیست، بلکه تقریباً همه زبان‌های جهان کم یا بیش از این پدیده متاثرند و نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهند. ولی علی‌رغم هر نوع مقاومت و ناخرسندی، تقریباً همه زبان‌ها واژه‌هایی را قرض می‌گیرند و قرض می‌دهند. چنانکه گفته‌اند، این امر را نباید صرفاً یک مسئله زبانی تلقی کرد، بلکه باید آن را در چهارچوب نفوذ فرهنگ‌های مسلط جهان مورد دقت قرار داد (درباره انواع واژه‌ها و عبارات قرضی و جنبه‌های گوناگون آن دست‌کم نگاه کنید به: محمدرضا باطنی، زبان و تفکر، مقاله «پدیده‌های قرضی در زبان فارسی»، زمان، چ، ۱۳۶۳).

پس از این مقدمه و پیش از ورود به بحث اصلی پیرامون واژه «کاریکاتور» و اکتان آن، بجاست به ضرورت ولسی بسیار مختصر به نظریه نارسایی زبان فارسی در بیان معانی نو و پدیده «واژه‌سازی» نیز اشاره‌ای شود. نباید تردید کرد یکی از مهمترین راه‌های مقابله با هجوم واژه‌های بیگانه در زبان ما واژه‌سازی است. اما اینکه تنها با واژه‌سازی می‌توان نارسایی‌های زبان فارسی را از میان برداشت پرسش مطرحی است که البته از عهده این مقاله و نگارنده آن بیرون است. از سوی دیگر، عوامانه کردن واژه‌سازی و طرح آن به طور عام حتی در رسانه‌های عمومی



می‌گیرد (کیهان کاریکاتور، سال اول، شماره اول، ص ۲۹). و اینکه: «از دیدگاه هوگارت (۱۶۹۷-۱۷۶۴) کاریکاتور یک شیوه بیانی ایتالیایی الاصل است که بر پایه اغراق یا ایجاد کاستی‌هایی در خطوط چهره آدمی شکل می‌گیرد. هوگارت در این رابطه بادوست خود فیلیپنگ درام‌نویس هم‌رای و نظر بود که می‌گفت: در کاریکاتور همه چیز مجاز است و هدف از آن ایجاد هیولاست، نه انسان» (همان منبع، سال اول، شماره ۳، ص ۲۸). بنابراین، کاریکاتور هنری وابسته به چهره آدمی است که می‌تواند تصاویر، مجسمه‌ها، طراحی‌ها و نقاشی‌هایی که در آنها چهره با هدف خاصی دچار تغییر شکل (دفرمه) شده باشد، را دربرگیرد. بایسد یادآور شد که «کاریکاتور» (CARICATURE) چنانکه که همه

فرهنگ‌های لغت نوشته‌اند، علی‌رغم ریشه ایتالیایی‌اش واژه‌ای فرانسوی است و این البته مربوط می‌شود به تحولات اساسی این هنر در فرانسه که از بحث ما بیرون است. اما در مورد پیشینه واژه انگلیسی «کارتون» نوشته‌اند: «اصطلاح کارتون را به معنای امروزی آن برای اولین بار مجله «پانچ» (تاسیس در ۱۸۴۱ م) به کار برد. تا آن زمان واژه کارتون در اصطلاح هنری به معنای طرح اولیه و کاملی بود که یک تصویر هنری مانند نقاشی یا کاشیکاری بر اساس آن پرداخته می‌شد. در سال تاسیس مجله «پانچ» تعدادی کارتون به منظور تهیه پروژه‌های نقاشی برای نصب در تالارهای بنای جدید پارلمان انگلستان در لندن فراهم شده بود. این مجله آن کارتونها را در قالب

تعدادی طرح طنزآمیز به طعن و تمسخر گرفت که مورد استقبال خوانندگانش واقع شد. از آن پس اصطلاح کارتون در معنای کنونی آن رواج یافت («مرئی‌ای بر توقف انتشار پانچ»، غلامعلی لطیفی، کیهان کاریکاتور، سال اول، شماره ششم، ص ۴۰). بنابراین، «کارتون» در مقایسه با «کاریکاتور» واژه‌ای جدیدتری است که هیچگاه در تاریخ مطبوعات طنز ایران نتوانست در کنار کاریکاتور مطرح شود.

ادوارد لوسی-اسمیت ضمن بررسی تعریف دو واژه «کاریکاتور» و «کارتون» در واژه‌نامه‌های آکسفورد، چمبرز و کولینز گفته است که این فرهنگ‌ها تعاریفی مبهمی در مورد این دو کلمه ارائه داده‌اند که ارضاء‌کننده به نظر نمی‌رسد. به طور



مثال فرهنگ آکسفورد تعاریف زیر را در مورد این دو کلمه ارائه می‌دهد:

کاریکاتور (اسم) ۱- هنر ارائه تصاویر اشخاص یا اشیاء که در آن صفات و خصوصیات بارز فرد یا شیء به نحوی اغراق‌آمیز، مضحک و غیرطبیعی به تصویر کشیده می‌شود ۲- تصویر یا هراثر هنری دیگری به نحوی مضحک و اغراق‌آمیز و ویژگی‌های موضوع اصلی را به نمایش می‌گذارد.

کاریکاتور (فعل): ۱- تصویر مشابه، مضحک و غیرطبیعی از چیزی ارائه دادن ۲- تقلید کردن از روی تمسخر

کارتون (اسم): تصویری که دربرگیرنده تمام صفحه‌ای از یک روزنامه یا نشریه است، و بخصوص به روزنامه‌های فکاهی در ارتباط با وقایع جاری اطلاق می‌شود.

کارتون (فعل) کاریکاتور کشیدن، نشان دادن چیزی به قصد تمسخر.

البته دو فرهنگ چمبرز و کولینز بر لزوم تمام صفحه‌ای بودن کارتون تأکید چندانی ندارند و به این نکته که تصاویر کارتون در رابطه با وقایع جاری و مورد بحث روز است، اشاره کرده‌اند. (هنر کاریکاتور، مترجم ناشر، انتشارات بزرگ، ۱۳۶۴، صص ۷-۸)

سپس اسمیت نتیجه می‌گیرد: «بر اساس تعریف فرهنگ لغت آکسفورد از کلمه کارتون به عنوان فعل، تفاوت اساسی مختصری میان این کلمه و کلمه کاریکاتور وجود دارد. در واقع کارتون و کاریکاتور در این فرهنگ دقیقاً به عنوان دو کلمه مترادف به کار رفته است. دیدی است که این دو کلمه در زبان محاوره مفهومی بسیار نزدیک به هم پیدا کرده‌اند. همانطور که از مفهوم ریشه ایتالیایی این کلمه (کاریکاتورا) به مفهوم شباهتی که در آن خصوصیات ویژه موضوع به نحوی اغراق‌آمیز و غیرطبیعی نمایانده می‌شود، برمی‌آید دیگر کاریکاتور محدود به تصویر الزامی چهره نیست. همانطور که کارتون همیشه قطعاً در رابطه با موضوعات سیاسی یا مباحث جاری نیست.» (همانجا) او سپس بی‌افزاید: «آنچه کلمه کاریکاتور بدان اطلاق می‌شود، ممکن است تنها یک طرح تمثیلی یا کنایه‌ای باشد، با این هدف که به جای خندانیدن بیننده وی را به تفکر وامی‌دارد. آنچه از کلمه کاریکاتور برمی‌آید این است که یک اثر کاریکاتور معمولاً مقداری تخیل و اغراق را در خود آمیخته دارد، مهمتر از آن اینکه در بیان هدف خود از اصطلاحات روزمره و عامه به همان شکل متداول بهره می‌گیرد. این خود یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده کاریکاتور در نقطه زمانی خلق اثر است... برای دستیابی به تعریف واقعی کلمه کاریکاتور شواهد موجود نشان‌دهنده این حقیقت است که نباید به بررسی سبک خاصی که هنرمند در خلق یک اثر کاریکاتور اتخاذ می‌کند پرداخت، بلکه ملاک شناخت افرادی است که هنرمند به عنوان ناظرین [بینندگان] اثرش در نظر می‌گیرد.» (همان منبع، صص ۱۲ و ۸) به هر حال، همانطور که کتاب یادشده نیز ذکر کرده است، آثار کاریکاتور علی‌رغم تنوع و تفاوت آشکارشان با یکدیگر از یک جنبه اصلی و اساسی مشترک برخوردارند و آن اینکه همه آنها برای چاپ طراحی می‌شوند. با توجه به نکات یادشده، اکنون روشن است که مترادف بودن دو واژه کاریکاتور و کارتون و به ویژه کاربرد کاریکاتور به جای هر دو در زبان فارسی از چه اساسی برخوردار است.

در این بخش، مروری داریم بر نوشته‌های فرهنگ‌های فارسی در ذیل واژه‌های کاریکاتور و کارتون تا تعاریف و احتمالاً معادل‌های فارسی آنها را بررسی کنیم، اما پیش از آن بجاست نوشته‌های «دائرةالمعارف فارسی» (مصاحب) را که به نسبت دقیق‌ترین و کامل‌ترین تعاریف‌های کلاسیک واژه‌های مورد نظرمان را در میان منابع فارسی ارائه می‌دهد و کمتر در دسترس است، برای استفاده همگان بیاوریم:

کاریکاتور
«نقش طنزآمیزی که اجزاء صورت یا اعضای بدن یا خواص شخص یا اشخاص را به نحو اغراق‌آمیز و اغلب خنده‌آوری مجسم کند. گرچه در نقاشیهای نقاشان بزرگ قرن ۱۶ م، از قبیل هولباین و بروگل نقاشیهای کاریکاتور مانند فراوان وجود دارد، سنت

مشخص کاریکاتورسازی که اساس آن تأکید بر جنبه‌های خنده‌آور اشخاص موضوع کاریکاتور است، در قرن ۱۷ م به دست کارآنجی در ایتالیا پایه‌گذاری شد. در قرن ۱۸ م بازار کاریکاتور در انگلستان رونق بسیار یافت و کاریکاتورسازی از قبیل هوگارت با بسط دامنه هنر کاریکاتورسازی، به ساختن کاریکاتورهای هجوآمیز اجتماعی و سیاسی نیز پرداختند و به این ترتیب گامی در راه تهیه کارتون برداشتند. در قرن ۱۹ م نشریاتی که اساس کار آنها کاریکاتور بود در میان مردم اروپا و کشورهای متحد امریکا محبوبیت فراوان داشتند و هنرمندان سرشناسی از قبیل ا. دومیه، ج. تنیل، م. بیروم و د. لو در تهیه کاریکاتورهای آنها دست داشتند. از مجسمه‌سازی نیز برای ساختن کاریکاتور استفاده می‌شود اما نه به اندازه طراحی. در ادبیات نیز کلمه کاریکاتور به توضیحاتی که جنبه مسخره‌آمیز یا هجوآمیز دارد و شخص یا اشخاص مورد توصیف را به شکل اغراق‌آمیزی مجسم می‌کند، اطلاق می‌شود و سابقه این شیوه به یونانیان باستان می‌رسد. چارلز دیکنز از جمله نویسندگان بزرگی است که از این شیوه «کاریکاتورهای ادبی» در آثار خود استفاده فراوان کرده است.»

کارتون

«۱- در هنرهای زیبا، طرح مقدماتی برای یک کار هنری به همان اندازه که بعداً باید به صورت فرسکو یا نقاشی روغنی یا موزاییک یا معرق یا ترکیبی از شیشه‌های رنگین برای در و پنجره یا فرشینه تهیه شود. چون این طرح بر روی کاغذ ضخیم یا مقوا رسم می‌شود، این نام به آن داده شده است. شیشه یا موزاییک یا معرق را درست به اندازه الکویی که از روی کارتون برمی‌دارند می‌برند و یا می‌تراشند، ولی در فرشینه کارتون یا نقشه را زیر تارها می‌گذارند تا در بافتن راهنما باشد. در نقاشی فرسکو، خطوط کارتون را با سوزن سوراخ می‌کنند و بر روی آن گرده رنگینی می‌باشند تا نقش آن بر روی سطحی که فرسکو باید بر روی آن ساخته شود، بیفتند. کارتونهای دوره رنسانس مانند کارتونهای رافائل برای فرشینه نمازخانه سیستین و کارتونهای سانتینیا برای نقش پیروزی قیصر، از جمله شاهکارهای هنری به شمار می‌رود. ۲- در روزنامه‌نگاری، نقاشی فکاهی یا هجایی که با مبالغه ترسیم شده غالباً با نوشته‌ای همراه است. در کارتونهای سیاسی غالباً از کاریکاتور استفاده می‌شود. کارتونهای سیاسی نخستین بار در قرن ۱۶ م در آلمان دوره اصلاح دینی روی کار آمد و تأثیر تبلیغاتی فراوان داشت. در قرن ۱۸ م در انگلستان بر اثر کارهای هوگارت و دیگران، کارتون جزء ضروری روزنامه‌ها را پیدا کرد. در انتخابات ۱۸۷۱ و ۱۸۷۳، شکست تمنی‌سال بیشتر نتیجه اثر تبلیغاتی کارتونهایی بود که در هفته‌نامه هارپر چاپ می‌شد. کارتونهای فکاهی و طنزی با پیدایش چاپ رنگین رواج یافت و نخستین نوع آن در ۱۸۹۳ در مجله ورد نیویورک منتشر شد. برای کارتونهای متحرک نگاه کنید به تصاویر متحرک، دیزنی.»

(فرسکو: نقاشی بر پوشش آهکی تازه و مرطوب که بر دیوار یا سقف کشیده می‌شود.)

در «فرهنگ مصور هنرهای تجسمی» (پرویز مرزبان و حبیب معزوف، سروش، ۱۳۷۱) واژه‌های مورد نظر ما به صورت زیر آورده شده‌اند:

کاریکاتور: Caricature

چهره سازی طنزآمیز یا بیانی مبالغه آمیز



در هجدهم منتشر شده است. در این کتاب «کاریکاتور» چنین تعریف شده است: «تصویر مسخره چیزی که عموماً در جراید چاپ می‌شود. این لفظ فرانسوی است.» این تعریف در عین اختصار دقیق است. دهخدا در «لغتنامه» همین تعریف را به نقل از فرهنگ نظام آورده و افزود است: «شکل و تصویر مضحک صورتی خنده‌آور از شخص یا چیزی.»

ادامه دارد

همانطور که دیده می‌شود در این فرهنگ کارتون و کاریکاتور در معنای مورد نظر ما مترادف گرفته شده است و ترکیب «چهره سازی مبالغه‌آمیز» معادل

Cartoon داده شده است. همچنین مولفان این فرهنگ، ترکیبات «طراح شوخ کار، کاریکاتور ساز [در نگارگری]» را معادل humorist و «کاریکاتور ساز، نقاش هجوگرا [در اصطلاح نقاشی]» را برابر Satiric گذاشته‌اند.

در میان فرهنگ‌های عمومی فارسی، شاید قدیمی‌ترین فرهنگی که منحل کاریکاتور را آورده است، «فرهنگ نظام» سید محمد داعی الاسلام (متوفی ۱۳۳۳ق) باشد چاپ اول آن در حیدرآباد دکن

۱- زیر طرح: Cartoon

طرح زیر کار برای نقاشی دیواری یا قالبیابی و مانند آن. ۲. چهره سازی مبالغه‌آمیز، کاریکاتور. ۳. ردیف تصاویر داستانی ۴. نقاشی متحرک، نقاشی فیلمی. ۵. شعار مصور، آگهی مصور

ردیف تصاویر داستانی: Comic Strip

تصاویر پیاپی که ردیف هم شوند و هر یک صحنه‌ای از داستان یا واقعه‌ای را مجسم سازند.

(بد نیست بگویم که برای ترکیب فوق برخی برابرهای دیگر نیز مانند «کاریکاتور چند مرحله‌ای»، «کاریکاتور دنباله‌دار» و یا «داستان کماهی مصور» به کار رفته است که این آخری مناسب‌تر به نظر می‌رسد.)

